

بررسی شاخصه‌های پژوهشی در «بیست مقاله» علامه محمد قزوینی

محبوبه قاسمی ایمنجه^۱

«ایرانی که باز ممکن است از آن دانشمندی مثل میرزا محمدخان قزوینی به وجود آید نخواهد مرد.»

(پروفیسور مارکوارت، مستشرق و دانشمند مشهور آلمانی) (پوراوود، ۱۳۰۶: ۱۴)

چکیده

«بیست مقاله»، یکی از آثار علامه محمد قزوینی، ادیب، محقق، و پیشوای اهل تحقیق در ایران است. این مجموعه مقالات، به دلیل اینکه به روش علمی و شیوه پژوهش جدید نوشته شده، بسیار درخور اهمیت است و می‌تواند راهنمای خوبی باشد برای آموزش اسلوب پژوهش درست، دقیق، علمی، به دور از حب و بغض شخصی، و بر اساس استدلال و استنباط درست به پژوهشگران. در این مقاله بر آنیم، با نیم‌نگاهی بر زندگی علمی علامه قزوینی و با برجسته کردن روش علمی او در تحقیقات، به برشماری شاخصه‌های پژوهشی در «بیست مقاله» پردازیم.

کلیدواژه: محمد قزوینی، «بیست مقاله»، روش علمی، شاخصه‌های پژوهش، نشر تحقیقی

پیشینه تحقیق

تاکنون کار مستقلی درباره شاخصه‌های پژوهشی علامه قزوینی انجام نگرفته است. درباره او کتابچه‌ای با عنوان **علامه قزوینی**، که مشتمل بر چند مقاله و زندگی‌نامه ایشان است، در سال ۱۳۲۸ ش، به مناسبت درگذشت ایشان، به همت اداره کل نگارش وزارت فرهنگ منتشر شده است. به مناسبت پنجاهمین سال درگذشت ایشان نیز **یادنامه‌ای** مشتمل بر مقالاتی چند درباره زندگی‌نامه و خصوصیات اخلاقی و روح علمی ایشان، به کوشش علی دهباشی، طبع شده و نیز انجمن مفاخر فرهنگ دربارۀ زندگی‌نامه ایشان کتابچه‌ای منتشر کرده - که مطلب جدیدی ندارد. عبدالحسین زرین کوب، در کتاب **آشنایی با نقد ادبی**، از ایشان به عنوان کسی که در تصحیح انتقادی متون اهتمام نموده، یاد کرده و درباره روش علمی علامه قزوینی و ویژگی‌های پژوهش او سخن گفته است.

مقدمه

محققان و ادیبان طراز اول ایران علامه محمد قزوینی را قده اهل تحقیق و پیشوای ادیبان جدید ایران می‌شناسند (زرین کوب، ۱۳۷۶: ۴۷۲ و سیاسی، ۱۳۲۸: ۵). به زعم آنان، علامه قزوینی، با اقامت ممتد در اروپا و آشنا شدن با طرز کار علمای جدید - بر خلاف علما و محققان مشرق‌زمین که در کارهایشان اهمال و سستی دیده می‌شود و طریق ضلال را می‌پیمایند - روش درست و استوار تحقیق را فراگرفت و در آثار و نوشته‌هایش به کار بست و سپس روش تدقیق و نقد ادبی را به معاصران خود آموخت (سیاسی، ۱۳۲۸: ۷؛ زرین کوب، ۱۳۵۶: ۹؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۷۸:

۱۳۴ و غنی، ۱۳۷۸: ۹۹). در نوشته پیش رو بر آنیم با نگاهی به زندگی علامه قزوینی و تأکید بر تأثیرپذیری او از روش تحقیق علمی اروپائیان، به ویژگی‌های پژوهش او در **بیست مقاله** بپردازیم.

قزوینی و ورود به دنیای تحقیق علمی و درست

علامه محمد قزوینی^۱ به سال ۱۲۵۵ ش/ ۱۲۹۴ ق در تهران به دنیا آمد. پدرش، عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی، اهل فضل و از نویسندگان **نامه دانشوران** بود. محمد قزوینی، نزد پدر مقدمات ادب را آموخت؛ سپس نزد استادانی همچون شیخ فضل‌الله نوری، میرزا حسن آشتیانی، و ملا محمد املی به فراگیری فقه و اصول و کلام و حکمت قدیم پرداخت و از دانش فضایی چون ادیب پیشاوری و شیخ هادی نجم‌آبادی بهره‌مند شد. قزوینی، که شیفته دانش‌اندوزی بود، به سال ۱۳۲۲ ق، در بیست‌وشش‌سالگی، به دعوت برادر خویش، برای بازدید از کتابخانه‌ها و نسخ خطی عربی و فارسی، به لندن رفت و در آنجا با روش کار محققان اروپایی آشنا شد و به «نشر و احیاء آثار قدما و ضبط و تصحیح متون کهن» (زرین‌کوب، ۱۳۷۶: ۴۷۲) پرداخت.

او «در علوم عربیه مقام شامخ و احاطه عجیبی» و به زبان فرانسه تسلط فراوانی داشت (تقی‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۵۰)، و «در میان علوم قدیمه به ادب و تاریخ و رجال و درایت توجه داشت، چه این علوم، علاوه بر آنکه ذهن را توسعه می‌بخشند، روشی دارند مبنی بر تفحص و تدقیق و استجدیدن اقوال مختلفه با یکدیگر و قبول قول قوی و معتبر و ردّ اقوال ضعیف و آحاد، و این روش با روش اروپائیان در علوم نقلیه تقریباً یکی است» (اقبال آشتیانی، ۱۳۷۸: ۱۳۴ - ۱۳۵). قزوینی که با «سیره سراپا محتاطانه طبری و طریقه دقیق اهل روایت و طرز کار امثال ابوریحان بیرونی در تحقیقات علمی آشنا بود، وقتی که در اروپا به شیوه تحقیق امثال سیلوستر دوساسی و کاتمر و نولدکه و مارکوارت و دُزی و گویدی برخورد، دید که، در واقع، شاگردان حقیقی امثال طبری و ابوریحان همین جماعت‌اند و روش ایشان، که به اقتضای سیر زمان کامل‌تر و منقح‌تر شده، همان روش درست و صحیح قدماست. (همان: ۱۳۵)

قزوینی در طی اقامت خود در اروپا - لندن، پاریس، و برلین - با مستشرقانی همچون آمدروز، بون، و ادوارد براون، و با خاورشناسان و دانشمندانی همچون باریه دومنار، کلمان هور، زاخو میتوخ، هارتمان، و مارکوارت آشنایی یافت. او در طی این اقامت سی‌وشش‌ساله در اروپا، به تصحیح انتقادی متون و مقدمه‌نویسی بر متون کهن و مقاله‌نویسی پرداخت. قزوینی به سال ۱۳۱۸ ش به ایران بازگشت و تا فرجام زندگانی‌اش، به سال ۱۳۲۸ ش، به تصحیح متون ادامه داد.

«بیست مقاله» و شاخصه‌های پژوهشی آن

بیست مقاله، مجموعه مقالات ادبی، تاریخی، و انتقادی علامه محمد قزوینی است. جلد اول این اثر ارزشمند به همت ابراهیم پورداوود، به سال ۱۳۰۷ شمسی، و جلد دوم آن، به سال ۱۳۱۳ شمسی، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی به نشر رسید. چندی بعد جلد اول و دوم این مجموعه، در یک مجلد، به سال ۱۳۳۲، با مقدمه ابراهیم پورداوود و با عنوان **دوره کامل بیست مقاله قزوینی** به طبع رسید.

این مقالات تاریخی و ادبی شماری از مقالات سابق علامه قزوینی است که در مجله‌های مختلف فارسی در اروپا و ایران همچون **کاوه**، **ایران‌شهر**، **فرنگستان**، و **مجله علوم مالیه و اقتصاد** به چاپ رسیده بود. ابراهیم پورداوود این مقالات را گرد آورد و با توجه به تعداد این مقالات (هرچند در جلد اول شمار آنها به بیست نمی‌رسد) نام آن را **بیست مقاله** نهاد. (قزوینی، ج ۱، ۱۳۶۳: ۵ و زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۱۱)

جلد اول این کتاب، مشتمل بر این مقالات است:

«شرح زندگانی علامه قزوینی به قلم خود»، «مقاله رسم‌الخط»، «قدیم‌ترین شعر فارسی بعد از اسلام»، «طهران»، «نامه امیر تیمور گورکانی به شارل ششم پادشاه فرانسه»، «قدیم‌ترین کتاب در زبان فارسی حالیه»، «کتاب

راحة الصدور»، «قصیده معزی»، «مکتوب از پاریس» (۱)، «مکتوب از پاریس» (۲)، «انتقاد مقاله یکی از فضلا در شفق سرخ»، «مطبوعات جدید ملوک العرب»، «یک عهدنامه مصنوعی»، و «آذری یا زبان باستان آذربایگان».

مقالات جلد دوم نیز، شامل موارد ذیل است:

«مقدمه قدیم شاهنامه»، «دیوان خواجه حافظ شیرازی»، «تاریخ بیهق»، «تکمله در خصوص خیام»، «تممه صوان الحکمة»، «مقدمه تممه صوان الحکمة»، «مونس الاحرار»، «مقدمه کتاب عتبه الکتبه»، «مقدمه کتاب مجمل التواریخ و القصص»، «مطبوعات جدید»، «مقدمه کتاب التوسل الی الترسل»، «مقدمه کتاب زین الاخبار»، «کتاب الابنیه عن حقایق الادویه»، «دو سند تاریخی راجع به بهزاد»، «وفات استاد ادوارد براون انگلیسی»، «مکتوبی به آقای پورداوود در باب ترجمه جلد اول یشتها به فارسی»، «ممدوح عمادی»، «شجره نسب ملوک آل باوند در طبرستان»، «راجع به ترجمه احوال حسن قطان»، و «راجع به وفات انوری».

تدقیق و تفحص در محتوای این مقالات ما را به شهر اندیشه‌های دانشی مردی می‌برد که شوق طلب و درد تحقیق همواره با اوست، و با دقت و حوصله تمام در کشف مطالب و حل دشواری‌ها می‌کوشد. شور و شوق این محقق توانا در کشف دشواری‌ها سبب می‌شود که کار او مایه یقین و اطمینان اهل نظر قرار بگیرد. (زرین کوب، ۱۳۵۶: ۹). اینک به بررسی مؤلفه‌های پژوهشی در بیست مقاله می‌پردازیم.

۱. تحقیق بر مبنای استدلال و مبانی منطقی

یکی از شاخصه‌های پژوهشی علامه قزوینی رای زنی بر اساس استدلال و دلایل متقن و استوار است که حاصل آن دست‌یابی به نتیجه‌ای است منطقی. او با رای صائب و متکی بر مبانی منطقی، نه برداشت‌های شخصی خود بر خواننده، با مسائل برخوردی علمی و اصولی دارد. قزوینی در مقاله «کتاب الابنیه عن حقایق الادویه» (قزوینی، ج ۲، ۱۳۶۳: ۲۶۴) بیان می‌کند که هرچه جست‌وجو کرده، دریافته که نویسنده *الابنیه* کتابش را به نام چه کسی تألیف نموده است. او با رای صائب و استدلال، نظر مستشرقانی مثل فلوگل و زلیگمان را، که از عبارت «مولانا الامیر المسدد المؤید المنصور» چنان فهمیده‌اند که نویسنده، کتاب را به نام «منصور بن نوح بن احمد بن اسماعیل سامانی» تألیف نموده، رد کرده و با این استدلال که سه کلمه «المسدد» و «المؤید» و «المنصور» در عرض هم ذکر شده‌اند و ترجیحی ندارد که بگوییم «المنصور» اسم یا لقب بوده و «المؤید» و «المسدد» نه، حدس آنان را محال و غیرممکن دانسته است. نظر صائب علامه قزوینی درست بوده و امروزه «مسلم است که ممدوح مؤلف، ابونصر جستان بن ابراهیم، از امرای سالاری (شاخه‌ای از دیلمیان) آذربایجان است، که بر ولایت طارم میان قزوین و زنجان و گیلان حکومت می‌کردند، نه منصور بن نوح بن نصر سامانی». (اعلم، ۱۳۸۴: ۱۸۴ - ۱۸۵ و خالقی مطلق، ۱۳۵۶: ۶۵۹)

نمونه دیگری از مقالات علامه قزوینی، که قدرت استدلال و دست‌یابی به نتایجی قطعی را آشکار می‌سازد، مقاله‌ای است «راجع به وفات انوری» (قزوینی، ج ۲، ۱۳۶۳: ۳۵۹ - ۳۶۹). او، با قدرت استدلال و به دست دادن شواهدی از *دیوان انوری*، آراء برخی تذکره‌نویسان را که تاریخ مرگ انوری را ۵۸۲ ق و برخی دیگر آن را ۵۴۷ ق ذکر کرده‌اند، به‌درستی رد می‌کند. نیز بنگرید به مقاله «قدیم‌ترین شعر فارسی بعد از اسلام» (همان، ج ۱: ۳۴ - ۴۹) تا ملاحظه کنید علامه قزوینی، با استدلال و وسعت دانش خویش، و با دانش ادبی، چگونه آراء تذکره‌نویسان را، که نخستین شعر فارسی پس از اسلام را به ابوالعباس مروزی نسبت می‌دهند، رد می‌کند. ادیبان و پژوهشگران دیگری درباره کهنه‌ترین نمونه شعر فارسی آرائی به دست داده‌اند. (← زرین کوب، ۱۳۳۷: ۲۸۹ - ۲۹۳ و شفیع کدکنی، ۱۳۴۲: ۱۸ - ۲۸)

۲. انصاف و تواضع علمی

عَلَّامه قزوینی گاهی در پانویشت علامت پرسشی (؟) و یا قید «کذا» می‌گذارد. از باب نمونه، او در مقاله «قصیده معزی» (قزوینی، ج ۱، ۱۳۶۳: ۱۷۵ - ۱۸۴) در تصحیح قصیده‌ای از معزی، در پانویشت، علامت پرسش یا قید «کذا» گذاشته. نیز مراجعه شود به مقاله «تکمله در خصوص خیام» (همان، ج ۲: ۱۱۸ - ۱۲۷). «این علامت پرسش و پیام این علامت‌ها از سوی مردی چون قزوینی این است که در عبارت ابهامی هست و مصحح به مفهوم خرسندکننده‌ای نرسیده، و بدین سان تردید علمی خود را به خواننده القا می‌کند. کمترین فایده این انصاف و تواضع علمی آن است که شاید روزی این تردید و علامت پرسش کسی را به تأمل و درنگ و ابداً تا شاید از سوی کسی آن بستگی باز شود». (انزایی‌نژاد، ۳۹۹)

۳. دقت و رعایت امانت در ضبط نسخ

عَلَّامه قزوینی در تصحیح و نقد متون، بی‌نهایت، دقیق بود و امانت‌دار. او از تصحیحات قیاسی و اصلاحات ذوقی در متن وحشت و ابا داشت (زرین‌کوب، ۱۳۷۶: ۴۷۳ و ۴۷۴). از باب نمونه بنگرید به مقاله «مقدمه قدیم شاهنامه» (قزوینی، ج ۲، ۱۳۶۳: ۳۰ - ۹۰). او در تصحیح «مقدمه شاهنامه»، جز موارد بسیار نادر که به تصحیح قیاسی پرداخته، در ضبط نسخ و به دست دادن نسخه‌بدل‌ها در پانویشت نهایت دقت و امانت را به کار برده است.

۴. تبخّر و تسلط در موضوع بحث

بنا بر قول زرین‌کوب، «آنجا که کار منتقد از ادب محض بیرون می‌شود و سخن از نقد کتاب‌های فنی و فلسفی و تاریخی و این‌گونه موضوع‌ها در میان می‌آید... آنچه منتقد را بیشتر در کار است تبخّر و تسلط در موضوع بحث است» (زرین‌کوب، ۱۳۵۶: ۶)، درمی‌یابیم که به‌حق عَلَّامه قزوینی در شناخت آثار و متون کلاسیک فارسی استادی است راستین، و در آنچه قلم زده تبخّر و تسلط جامع در آن موضوع داشته است. از باب نمونه بنگرید به مقاله «تاریخ بیهق» (قزوینی، ج ۲، ۱۳۶۳: ۱۰۴ - ۱۱۷) و مقاله «مقدمه تتمه صوان الحمکه» (همان، ج ۲: ۱۳۰ - ۱۳۷). او در این دو مقاله، بر اساس وسعت مطالعه و کثرت آگاهی و دسترسی به مآخذ و منابع فراوان، اطلاعات جامعی درباره ناحیه «بیهق» و مؤلف **تاریخ بیهق و تتمه صوان الحمکه**، ابوبکر احمد بن الحسین بیهقی، و آثار بیهقی به دست می‌دهد. او در مقاله «تاریخ بیهق» تاریخ دقیق تولد ابوبکر احمد بن الحسین بیهقی، مؤلف **تاریخ بیهق**، را مشخص می‌سازد و اشتباه یاقوت را در **معجم‌الادباء**، در ضبط نادرست تاریخ تولد مؤلف **تاریخ بیهق**، متذکر می‌شود.

۵. معنی واژگان دشوار و به دست دادن شواهد شعری و نثر

عَلَّامه قزوینی در تصحیح متون اگر به مواردی برخورد که واژه دشواری در متن آمده و نیاز به معنی داشته، آن واژه را در پانویشت معنی می‌کند و از متون مختلف و فرهنگ‌های فارسی و عربی برای آن واژه شاهد می‌آورد، از باب نمونه بنگرید به پانویشت‌های مقاله «قصیده معزی». (قزوینی، ج ۱، ۱۳۶۳: ۱۷۵ - ۱۸۴)

۶. انتقاد عالمانه، به دور از هواخواهی و حبّ و بغض و وابستگی به مرام یا مسلک مذهبی و سیاسی

هر منتقدی و هر محقق‌ی باید، در ارزیابی یک اثر، خود را از حبّ و بغض و هواخواهی و تأثیرپذیری از هرگونه مسلک مذهبی و سیاسی و اجتماعی مصون و محفوظ نگاه دارد (زرین‌کوب، ۱۳۶۷: ۳۳، ۴۲، ۵۴، ۵۸). آنچه در **بیست مقاله** و ارزیابی‌های عَلَّامه قزوینی آشکارا نمایان است آن است که او به‌یقین از هواخواهی و حبّ و بغض و وابستگی به مرام و مسلک خاصی به دور است، و ما با سخن‌سنج و سخن‌شناس و محقق‌ی روبه‌رو هستیم که جوهره ارزیابی‌های او بر اساس مبانی منطقی و «ذوق حقیقت‌جویی» (سیاسی، ۱۳۲۸: ۵) است.

۷. تأکید بیش از پیش به مراجع و دقت در نقل مأخذ

یکی از معیارهای اصلی پژوهش معتبر و آنچه سبب اعتبار یک نوشته یا مقاله می‌شود ارجاع به مأخذ و منابع دست اول و اصلی است. علامه قزوینی به اکثر منابع و مراجع دسترسی داشته است. فهرست کتابهای کتابخانه او، که او خود تنظیم و تدوین کرده بود، چهار مجلد بوده «و این به خوبی می‌رساند چه مقدار این محقق بزرگ کارش مرتب بوده و می‌توانسته از کتابخانه شخصی خود به حداکثر استفاده کند» (سیاسی، ۱۳۲۸: ۶ - ۷). در همه مقالات او، چه در متن و چه در پانوش، جابه‌جا ارجاع به منابع و مأخذ مشاهده می‌شود و خوانندگان را از مراجعه به بسیاری از مراجع بی‌نیاز می‌سازد.

نتیجه‌گیری

امروزه، یکی از ارکان مقاله‌های استاندارد آرایش صوری آنها به عناوینی است همچون چکیده، کلیدواژه، مقدمه، ارجاعات (درون‌متنی)، نتیجه‌گیری، و کتابنامه. نیک می‌دانیم که مقالات علامه قزوینی به این صور ظاهری آراسته نیست؛ با وجود این، قدر و اعتبار و ارزش مقالات و شأن و جایگاه علمی او محفوظ است. در واقع، آنچه این مقالات را ارزشمند و مرجعی برای محققان و پژوهشگران ساخته تحقیق عالمانه و استوار دانشی مردی است که از شهرت و جاه و مقام دنیوی چشم پوشید و در متن برگ‌های کتاب و گوشه کتابخانه به غنای فرهنگی سرزمین دیرپای ایران اندیشید و برگ‌هایی تازه بر آن افزود و بهارها و دشتی‌ها و نفیسی‌ها و فروزانفرها و زرین کوب‌ها تربیت کرد، و روش محققانه او چراغی شد فراراه پژوهشگران فردا.

پانوشت

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره زندگی نامه و آثار علامه قزوینی ← قزوینی، ج ۱، ۱۳۶۳: ۷ - ۳۰؛ **علامه قزوینی**، ۱۳۲۸؛ معین، ۱۳۶۴: ۱۲۸ - ۱۵۶؛ مصاحب، ۱۳۸۳: ۲۰۴۹؛ آریان پور، ۱۳۷۴: ۱۰۸ - ۱۱۱؛ دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل «قزوینی»؛ **یادنامه علامه قزوینی**، ۱۳۷۸؛ **زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی علامه قزوینی**، ۱۳۸۵؛ خدایار، ۱۳۸۸: ۱۵۶ - ۱۵۸.



کتابنامه

- آریان‌پور، یحیی (۱۳۷۴). *از نیما تا روزگار ما*، ج ۳. تهران: زوار.
- اعلم، هوشنگ (۱۳۸۴). «ابو منصور موفق بن علی هروی»، در *دانشنامه زبان و ادب فارسی*، ج ۱، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۷۸). «ضایعه عظیم جبران‌ناپذیر»، در *یادنامه علامه قزوینی*، به کوشش علی دهباشی، تهران: انتشارات کتاب و فرهنگ، ص ۱۳۱ - ۱۳۸.
- انزایی‌نژاد، رضا. «با علامه قزوینی در جهانگشای جوینی»، *نشریه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، س ۳۱، ش ۳ و ۴، ص ۳۹۷ - ۴۰۴.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۰۶/۱۹۲۷م). *پوران‌دخت‌نامه*، بمبئی: انجمن زرتشتیان ایرانی.
- تقی‌زاده، سیدحسن (۱۳۷۸). «خطابه در مجلس یادبود علامه قزوینی»، در *یادنامه علامه قزوینی*، به کوشش علی دهباشی، تهران: انتشارات کتاب و فرهنگ، ص ۱۳۹ - ۱۵۵.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۵۶). «اسدی طوسی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی*، س ۱۳، ش ۴ (۵۲)، ص ۶۴۳ - ۶۷۸.
- خدایار، غلامحسین (۱۳۸۸). «قزوینی»، در *دایرة المعارف تشیع*، ج ۱۳، زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، کامران فانی، و بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: نشر شهید سعید محبی، ص ۱۵۶ - ۱۵۸.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۳۷). «سرود اهل بخارا: کهنه‌ترین نمونه شعر به زبان فارسی»، *مجله یغما*، س ۱۱، ش ۷، ص ۲۸۹ - ۲۹۳.
- _____ (۱۳۵۶). *یادداشت‌ها و اندیشه‌ها*، تهران: جاویدان، چ ۳.
- _____ (۱۳۷۶). *آشنایی با نقد ادبی*، تهران: سخن، چ ۴.
- زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی علامه محمد قزوینی* (۱۳۸۵). انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
- سیاسی، علی‌اکبر (۱۳۲۸). «خطابه جناب آقای دکتر سیاسی رئیس دانشگاه در ماتم علامه فقید»، در کتاب *علامه قزوینی*، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ، چاپ تابان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۴۲). «کهنه‌ترین شعر فارسی: یکی از خسروانی‌های باربد»، *آرش*، ش ۹، ص ۱۸ - ۲۸.
- علامه قزوینی* (۱۳۲۸). اداره کل نگارش وزارت فرهنگ، تهران: چاپ تابان.
- غنی، قاسم (۱۳۷۸). «محمد قزوینی عالم با عمل، درخت با ثمر»، در *یادنامه علامه قزوینی*، به کوشش علی دهباشی، تهران: انتشارات کتاب و فرهنگ، ص ۹۷ - ۱۱۷.
- قزوینی، محمد (۱۳۶۳). *دوره کامل بیست مقاله قزوینی*، ج ۱ و ۲، با مقدمه ابراهیم پورداوود، تهران: دنیای کتاب، چ ۲.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۳). *دایرة المعارف فارسی*، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- معین، محمد (۱۳۶۴). *مجموعه مقالات*، ج ۱، به کوشش مهدخت معین، تهران: معین.
- یادنامه علامه قزوینی* (۱۳۷۸). به کوشش علی دهباشی، تهران: انتشارات کتاب و فرهنگ.